



داکتر سید خلیل الله هاشمیان

۲۳ می ۲۰۱۶

شهادت حقانه، مستند و بیطرفانه

کامپیوترم سقوط کرده بود، مدت 11 روز از عالم وبسایتهای و انترنت بیخبر بودم. ترمیم آن مدت هشت روز را دربرگرفت و بتاريخ 19 می یکتعداد مقالات را خواندم و دوست محترمی از ویرجینیا مقاله آقای احمد ولی نوری را بمن ایمیل کرده بود که باخواندن آن خود را مکلف دانستم این شهادت حقانی را بملاحظه اهل خبره برسانم.

من آقای احمدولی نوری را از مدت شصت سال باینطرف میشناسم. درسالهای 2003-2004 که آقای نوری پیرامون اصطلاح مزخرف "افغانستانی" با جریده (امید) پرخاش داشت، من به حمایت از موقف معقول و ملیگرای او درمجله آئینه افغانستان که در آنوقت مدیرمسئول آن بودم مقالاتی نشر کردم که متعاقباً مقالات آقای نوری نیز در همان موضوع در آن مجله منتشر گردید. در سال 2005 که وبسایت (افغان جرمن آنلاین) تاسیس شده بود، آقای نوری در صحبتهای تلفونی از من تقاضای همکاری قلمی در وبسایت خود نمود که بخاطر مصروفیت در کارهای مجله (آئینه افغانستان) صادقانه معذرت خواستم، اما چندی بعد تقاضاهای او تکرار میشد و در یک صحبت موضوع مسلکی و اختصاصی (زبانشناسی) را مطرح ساخته و گفت درین ساحه همکار قلمی ندارند و اصرار ورزید تا به ارتباط تاریخیچه زبانهای دری و پشتوچیزی بنویسم. در ماه اگست سال 2005 مقاله ای تحت عنوان "رساله ای در سخن شناسی" در 15 صفحه ترتیب و ارسال کردم که در سه نوبت نشر شد. اما بعد از نشر مقالات مذکور ملتفت شدم که آقای نوری نه تنها املائی بعضی کلمات را بمیل خود تغییر داده، بلکه اصول تنقیط را مخلوط کرده، از چند پاراگراف یک عبارت ساخته است. در تلفون بلاپیش اعتراض کردم و گفتم نگارش مرا مسخره ساختی، علاوه کردم که من در پوهنخی ادبیات دوسمستر مضمون نگارش خوانده بودم و مطابق اصولی مینویسم که خوانده بودم، اما تو آن اصول را برهم زده ای که به شناخت و شهرت من بحیث استاد زبان و ادبیات دری صدمه زده، لهذا بعد ازین با شما همکاری قلمی نمیتوانم. آقای نوری سیستم صفحه بندی وبسایت خود را عذر آورد، ولی وعده کرد که در آینده اینکار را نمیکند، اما من با آن وبسایت مقاطعه کردم، و در اثر تقاضاها و اصرار مکرر او در سال بعد یکی دو مقاله فرستادم که عینا و بدون تصرف نشر شده بود.

تا سال 2009 مقالات من بدون تقریباً تصرف نشر میشد، با یک تفاوت که من در کلمات عربی همزه و تنوین را رعایت نمیکند و در زیر هر مقاله درین باره یک یادداشت مینویسم، اما آقای نوری علامات همزه و تنوین را خودش در مقالات من اضافه میکرد. در سال 2011 که وبسایت افغان-جرمن همکاران قلمی بیشتر یافته بود، آقای نوری اخلاق آمریت و دیکتاتوری را تبارز داد و از کسب رنگریزی کار میگرفت، یعنی مقالات مرا به ارتباط املائی کلمات عربی و نقطه گذاری (اصول تنقیط) و تغییر پاراگرافها بارنگهای سرخ، سبز، آبی، زرد نشانی کرده بمن میفرستاد و اصلاح این موارد را به اساس ذوق و سلیقه خود تقاضا مینمود. من ملتفت شدم که آقای نوری شناخت علمی از علم نگارش ندارد و سلیقه نگارش و تایپستی را در فرانسه شاید از شخصی آموخته باشد که او هم جهانی بینی علمی درین موارد نداشته است، زیرا در مقابل از تاسیس وبسایت افغان-جرمن آنلاین و خصوصاً در افغانستان، آقای ولی نوری سابقه و شناخت نویسندگی نداشته و در حالیکه برادر مہترش مرحوم حکیم نوری مدتی در کابل مدیرمسئول مجله (ژوندون) بود، از آقای ولی نوری کدام نوشته یا مقاله ای در میدیای افغانی دیده نشده بود.

عکس العمل من پیرامون اخلاق رنگرزی و سلیقه خودساخت نگارشی آقای نوری جدی و شدید بود و من این روش او را "دیکتاتوری" و "بداخلاقی" خوانده، باری او را "دروازه وان" و وبسایت افغان جرمن خواندم که نشر شده است. علاوه برعلامات همزه و تنوین درکلماتی از قبیل (املاء، انشاء - جمعاً) که من این نوع کلمات را همیشه (املا، انشاء - جمعاً) مینویسم، موارد دیگری نیز از قبیل کلمات (مسنول - تغییر - داود - نویسندگی) تحت انتقاد و رنگ آمیزی آقای نوری قرار میگرفت، زیرا او این کلمات را باساس سلیقه شخصی خودش به (مسنول - تغییر - داود - نویسندگی) تغییر میداد. من ملاحظات و پیشنهادات او را سه بار رد کردم و هر بار توضیحات علمی و مسلکی در رد ملاحظات او نوشتم که نه همه، بلکه بعضی از انتقادات من نشر شده و آقایان قیس کبیر و استاد سیستانی از مناقشات بین من و آقای نوری خبردارند.

در یک مقاله که نشر شده نوشتم که علم نگارش بیحش یک مضمون درپوهنهی ادبیات تدریس میشد، علاوه بر دوره ماستری در امریکا مضمون (composition) بیحش یک ضرورت اکادمیک تدریس میشد و معیارهای نگارش در غرب (امریکا و اروپا) متفاوت با اصول نگارش عنعنی در افغانستان است و من از هر دو طریقت آگاهی و آشنایی دارم. از آنجائیکه آقای نوری پاراگرافهای مندرج در مقالات مرا باساس سلیقه شخصی خودش تغییر میداد و از چند پاراگراف یک عبارت میساخت و آنرا به سیستم صفحه بندی و ویرایش سلیقه یی در وبسایت خودش محول میساخت، مجبور شدم توضیحی در دو صفحه نوشتم که در علم نگارش علامات کامه (ویرگول)، سیمی کولن (!)، نقطه (.)، فاصله (-)، شلرحه (:)، ندانیه (!)، امریه، پاراگراف، و عبارت هر کدام یک تعریف قبول شده و هم معنایی برای خود دارد که در دنیا رعایت میشود، اما سلیقه شخصی خودت نه با معیارهای عنعنی در افغانستان و نه با معیارهای قبول شده غربی شباهت دارد، پس معلوم میشود خودت ازین معیارها بیخبر میباشی و من نمیتوانم مطابق سلیقه و میل خودت بنویسم - کاپی همین مقاله به آقایان قیس کبیر و سیستانی نیز ارسال شده بود، زیرا از بابت دیکتاتوری آقای نوری چند بار به آنها شکایت کرده بودم. به آقای نوری پیشنهاد و تقاضا کردم یا خودش راجع به اصول نگارش و تعریف هریک از واحدهای فوق الذکر مقاله ای نوشته کند و یا من این مسایل را تشریح میکنم تا بعد ازین از رنگ ریزی سرخ، سبز، زرد که یکنوع خود نمایی از جانب خودش و حقارت به نویسندگان میباشد، جلوگیری شود، اما آقای نوری نه تنها جواب نداد، بلکه در تمام موارد به سلیقه شخصی و منطق دیکتاتوری خود ادامه داد - این مناقشات تازمانی دوام داشت که نه تنها نویسندگان همکار این وبسایت، بلکه شرکای شامل در ملکیت آن از روش دیکتاتوری میان تھی او خسته شدند و آقای نوری که به خاطر موقف تاپیستی درین وبسایت خودش را نه تنها بیحش یک نویسنده مسلکی و مجرب، بلکه عالم باصلاحیت در علوم نگارش، ادبیات، فلسفه و منطق جلوه میداد، مجبور گردید برای دوام این خود نمایی یک وبسایت مستقل دیگر تاسیس نماید.

مشکل آقای نوری بنظر من درینست که به تجارب مسلکی و تحصیلات اختصاصی دیگران وقعی قابل نمیشد، در حالیکه خودش بالاتراز بکلوریای لیسه استقلال در صنف نشسته و از دسپلین اکادمیک بهره ای نگرفته است.

تا اینجا به مناسبات و مناقشات ذات البینی من و آقای نوری در مدت 11 سال گذشته تعلق داشت که مستند بوده و در آرشیف نویسندگان ثبت است - اسنادی هم از ساخته کاری و دروغگویی آقای ولی نوری در حق یکی از دوستان قدیمی اش، و از مبالغه و ساخته کاری در حق دو دوست مرحوم دیگرش دارم که اگر اجازه باشد هر دو را نشر میکنم.

بهر حال، در دو روز گذشته مقاله آقای نوری و اعتراضات نامردانه او را بالای جناب محترم استاد اعظم سیستانی خواندم - نامردانه بخاطری میگویم که سیستانی در مدت 10 سال گذشته با آقای ولی نوری شانه داده، بامساعی و همکاری صادقانه و نشر مقالات و کتابهای خود وبسایتی را که آقای ولی نوری تاپیست و ویرایشگر مطبوعات آن

بود، بیک منبع معتتم آگاهی و خواندنی دارای پرستیژ علمی بپا ایستاده کرد. سهم سیستانی درین 11 سال با جلب همکاری دانشمندان افغان، افزایش ذخیره علمی و تاریخی به پورتال افغان - جرمن آنلاین و سهم آقای ولی نوری محض تالیستی و ویرایشگری مطبوعات آن بود. اگر آقای ولی نوری شمه ای از مردانگی افغانی را به میراث گرفته میبود، بایست سرخود را به یخن خود فرومیرد، اولتر خود و پس منظر زندگی خود را بخاطر می آورد و سپس این جفنگیات و شطحیات را درمورد سیستانی مینوشت.

انتقاد کلی آقای ولی نوری بالای سیستانی درین است که او در دوره حکومت رژیم کمونستی با کارمل و پرچم همکار بوده است - سیستانی ازین همکاری منکر نبوده، بلکه مجبورت خود را که توان اقتصادی برای برون کشیدن خود و خانواده اش نداشته و بخاطر تامین نفقه و دوام زندگی مجبور به این همکاری شده نوشته، و همینکه امکانات فرار را میسر یافته، در صاف ملیگرایان و مقاومت ملی بصد اشغال و کمونیزم قرار گرفته است. اگر مدت دوسال همکاری او را با رژیم پرچم و مدت بیست سال مساعی و مبارزات صادقانه او را در مهاجرت برای افشای دسایس استعمار در مقایسه قرار بدهیم، او کفاره گناه همکاری موقتی خود را در حالیکه دستش بخون کسی آغشته نبوده، خیانتی از او سر نزده، حق یتیم و بیوه زن افغان را تلف نکرده، چند برابر بیشتر در مهاجرت پرداخته است .

اما آقای نوری که اکنون باطمینان گذشته های دیگران را سیاه میسازد، خودش به ارتباط حق مردم و وطن چه انجام داده است ؟ آقای ولی نوری از خیرات یتیم و بیوه زن افغان مدت 12 سال در مکتب کابل تحصیل کرده و برای تحصیلات عالی بمصرف مردم افغان بفرانسه اعزام گردید - بیشتر از چهار سال بورس و معاش تحصیلی از بیت المال افغان در پاریس دریافت نمود، اما عوض آنکه تحصیل کند و دوباره بخدمت مادر وطن بشتابد، به شبگردی در شانره لیزه پاریس سپری نمود و در آنجا متاهل و مقیم گردید. یکبار که بوطن رفت در استخدام یک کمپنی شخصی مربوط بشوهر همشیره اش (مرحوم انجنیر شنسب) بود که امتیاز فروش موتر (بنز) را در کابل داشت و آقای نوری آمر فروشات همین کمپنی بود. در ختم آن وظیفه دوباره بپاریس آمد و در آنجا کار و امرار معاش مینمود. کار 14 ساله آقای ولی نوری در ویسایت افغان - جرمن آنلاین البته یک خدمت غیر مستقیم بفرهنگ ملت افغان بشمار میرود، اما ازین مدرک اجرت و معاش نیز دریافت میکرده است.

نکته جالب در انتقاد آقای ولی نوری بالای استاد سیستانی همانا همکاری موقتی سیستانی با کمونستهای حزب پرچم در کابل میباشد، که ندامت خود را در آن باره اظهار کرده و با اعتنای فرصت بصد کمونیزم و اشغال در مهاجرت فعالیت موثر کرده است - اما آقای ولی نوری راجع به متابعت و همکاری خودش در فرانسه با یک گروه دیگر کمونستهای افغان که به پیروان " خط فکری ماوتسه تونگ" معروفند و نام حزب شان (شعله) است چیزی نگفته و این افتخار را به رخ خود نکشیده است - یکی از افتخارات جاودان این متابعت و همکاری آقای نوری با رهبران حزب (شعله)، نام مستعار (ناصر مستجاب) است که رهبران همان حزب به او اعطا کردند و این نام بار اول در ویسایت

حزب شعله (آزاد افغانستان - افغانستان آزاد) نمودار گردید و چند بار هم با یک تفاوت تکرار شد، تفاوت اینست که : سیستانی از همکاری موقتی خود با حزب پرچم اظهار ندامت کرده و برای جبران آن مدت بیست سال است که در جبهه ملیگرایان قرار گرفته و هم آثار و خدمات موثر ارائه کرده است، اما از متابعت و پیروی علنی آقای ولی نوری با حزب شعله که اینک زاید از یکسال میگذرد، نه تنها کدام ندامت بظهور نرسیده، بلکه بطرف تقویت و مودت روان است. آقای ولی نوری عیب دیگری، غیر از همکاری موقت با پرچمی ها، بالای سیستانی نیافته است، اینک اگر خودش عادت فروردن کله را به زیر ریگ نداشته باشد، امید است به عیب خود نیز متوجه شود - و هم تفاوت های این دو همکاری را بطور مقایسی ارزیابی بتواند که:

د پانو شمیره: له ۳ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولۍ

سیستانی در شرایط اشغال، اختناق و دیکتاتوری در کابل مجبور به همکاری با پرچمی ها شده بود، اما آقای ولی نوری خودش در شرایط آزادی کامل در کشور مستقل و مدنی فرانسه بطور خوش برضا و داوطلب افتخار متابعت و پیروی حزب شعله را حاصل نموده است !!!

جناب استاد سیستانی در سال جاری به کشف یک اثر بسیار مهم بقلم مرحوم فیض محمد کاتب موفق شده و بخش های مختلف آن اثر را که بیانگر فجایع ضد بشری حکومت سقوی و سقویها میباشد بملت افغان گزارش داده است. یک عده افغانها که هنوز هم در خط سیر سقویها قدم میزنند، میخواهند انتقام واقعبیت نویسی های مرحوم فیض محمد کاتب را از استاد سیستانی بگیرند که مقوله "خدمت کردن و مجازات دیدن" را بخاطر میرساند.

با تقدیم سلامها و عرض احترام بهمه خوانندگان پورتال افغان – جرمن آنلاین –

سیدخلیل الله هاشمیان – مورخ دوشنبه 24 ماه می 2016

د پانو شمیره: له ۴ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو لو مخکې په خیر و لولئ